

## نقد و بررسی کتاب بینوایان ویکتور هوگو

### ۴

۱۸۴۵ تا ۱۸۵۱ - از روز ۱۷ نوامبر ۱۸۴۵ ویکتور هوگو خود را بنویشتن کتاب ملزم مینماید در صورتیکه از تاریخ و اخوردگی بیس پیر مردان کهنه پرست قلمی نگرفته و یادداشتی ننوشته در عین حالیکه بدختر جوانمردگ و داماد ناکامش اشگ افشان است یأس و حرمان را بخود راه نمیدهد و باروحیه‌ای قوی مشغول کار میشود برای اینکه فکر خود را در نقطه مطلوبه متمرکز سازد بلحاظی چند از کارهای سیاسی کناره گرفته و بسرودن اشعار نعره‌ها در راهی جامعه را در آن بخوبی نشان داده و خواسته‌های ملت را منعکس کرده‌است اشتغال میورزد .

قصیده (آنچه دیده‌ام) نشان میدهد که شاعر در سالهای ۱۸۴۶ و ۱۸۴۷ دو مرتبه زندانهای پاریس را دیده و حتی بگوشه‌زوایای آن سرکشی کرده و در ذهن خود عکس حقیقی زندان را مرتسم ساخته است . اولین ترجمه ملانکولیا (مالیخولیا) استغاثه ایست که بخاطر فقر و آخطاب بتمولین و اغنیا سروده است و حالت رقت بار بینوایان را بر جلوی چشم آنان بگویاترین وجهی نشان داده است .

هنگامیکه انقلاب در فوریه ۱۸۴۸ فرونشست شاعر نام خود را جزو دانشجویان دانشکده حقوق مثبت رسانید تا برای کتاب آینده خویش مستندات غیر قابل رد و انکاری تحصیل نماید . معهذا در روزهای ژوئیه شاعر ساکت و مضطرب است به سوسیالیست‌های عجول و دستپاچه استغاثه مینماید که قدری در خواسته خود جنبه اعتدال را رعایت کنند . صاحبان حرف و صنایع را بیاد انتقاد گرفته و آنانرا از اشتغال نایره خشم و غضب کارگران بر حذر میدارد . به ژاکوبین‌ها که شیطان مطلق العنان انقلاب بودند سخت میتازد و بدون اینکه آشکار گوید تلویحا " آرزوی خود را در استقرار سلطنت مشروطه و استخلاص مردم از هر چه موج و بید و دوباری بیان مینماید

گویادر اوایل حکومت پرنس پریزدان (لوی ناپلئون) ویکتور هوگو با اوری موافق نشان میدهد ولی از روزیکه مشارالیه برای حمایت اطرافیانش قانون را زیر پا گذاشت شاعر قد مردانگی علم کرده وبه مخالفت برخاست واز قانون که خونبهای جوانان پیراج وشهدای راه آزادی فرانسه بود مدافع کرد بدین مناسبت لوی ناپلئون از او رنجیده ودر دولت خویش پستی مناسب برای او در نظر نگرفت لذا هوگو نیز مخالفت خود را مضاعف کرد و او را با نهایت قدرت کوبید - حکومت وقت که قدرت تسلط را در دست داشت شارل هوگو را زندانی ساخت ویکتور هوگو را مجبور به جلای وطن کرد این اعمال مستبدانه ایمان واعتقاد مولف بینوایان را بحکومت جمهوری و طرفداری از آزادی راسخ تر ساخت ودر تبعید گاه بکتاب خود جنبه تحریک وتهییج بیشتری را بخشید .

۳- ۱۸۶۲- ۱۸۶۰- ۹ سال بعد آخرین مرحله کتاب رسیده: (( امروزه ۳۰ دسامبر ۱۸۶۰ است بنوشتن کتاب بینوایان شروع کرده ام . از ۲۶ آوریل تا ۱۲ مه نوشته خود را دوبار خوانده و اصلاح نموده از ۱۲ مه تا ۳۰ دسامبر هفت ماه عمرم در الهام گرفتن و جان بخشیدن بقهرمان داستان گذشته و کوشیده ام بین نوشته وتصورم که مدت ۱۲ سال تمام بدان مشغول بوده ام وحدت و یگانگی کاملی موجود باشد آنچه باقی است باید اذعان کنم که همه را در فکر خود ساخته و پرداخته و منتهز فرصتی بودم که روی کاغذ بیاورم تا آنکه خدایار و روزگار مددکار آمد . . . . . ))

انشاء قطعی ونهائی کتاب در ۳۰ ژوئن ۱۸۶۱ بوده ولی این تاریخ ابتدای زحمت و کوشش او است زیرا غلط گیری وتصحیح نسخه های چاپ وقت او را تا ۲۶ ماه مه سال آینده اشتغال کرده بود .

امتحان نوشته های هوگو حقایقی رابه تحقیق مکشوف ساخته که در سنوات اخیر شاعر و فلسفه اجتماعی وتاریخی وسیاسی و معتقدات مذهبی خود را در ضمن حکایت ( بهبودی وعروسی ماریوس - احتضار ژان والزبان ) گنجانیده و بنوشته خویش جنبه شعرو تغزل بخشیده وحتى میتوان گفت که در تنظیم فصول وحک و اصلاح مطالب ذوق و سلیقه خاصی بخرج داده است که اساس اصلاحات در موارد زیر بوده :

نقاشی وپرداختن صورت وسیرت کشیش روحانی ومقدس قصبه دینی - مرد وسایه اش سال ۱۸۸۷- جنگ واترلو- کشتی اوریون- عکس زوجین تناردیه - حاشیه ای مفصل درباره زندگی رهبانان وراهبه ها - مطالعه درباره اطفال ولگرد پاریس - معرفی دوستان آ - ب - ث . تفسیری بر اصطلاحات عامیانه - نقاشی صورت لوی فیلیپ و ذکر حوادث ایام

سلطنت او - تاریخچه آگوهای پاریس .

### بینوایان و معتقدات مذهبی هوگو لله در النائبات فانه

#### صدء اللثام و صیقل الاحرار

نازم بروزگار مصائب که نائبات زنگ لثام و صیقل آزادگان بود

خداوند متعال در تمام کتابهای آسمانی که بر پیامبران فرستاده مردان راه خدا را بر صبر و استقامت در برابر آلام و مصائب امر فرموده چنانچه در قرآن شریف آمده : کسانیکه از مصیبتی متاثرند و اندوهگین گردند بجای گریه و زاری تسلیم و رضا پیشه سازند و بگویند که همه برای خدائیم و برگشت ما بسوی او است رحمت بی پایان الهی شامل چنین مردانی است و خود آنان از جمله رستگارانند :

در خصوص تسلیم و صبر و رضا سخنوران و شعرا و نویسندگان و فلاسفه داد سخن داده و هر یک نوعی انسانرا با استقامت در برابر درد ورنج تشویق و ترغیب نموده اند لامارتین میگوید رنج عذاب بزرگترین مریی مرد است وینی فیلسوف فرانسوی در قبال عظمت رنج انسان سر تعظیم فرود آورده و میگوید من درد ورنج را پیش از همه دوست دارم و خود معتقد است آنکه در درگاه الهی مقرب تر است نصیبش از رنج و دردمضاعف تر است هرکه در این عرصه مقرب تر است جام بلا بیشترش میدهد!

هوگو نیز از معتقدین این فلسفه است و بدان ایمان دارد زیرا نباید از نظر دور داشت که این شاعر توانا و نویسنده نابغه کاتولیک متعصبی است و در تمام مدت عمر طولانی خود دقیقه ای از معتقدات خود دست برداشته و راه خلاف دین و مذهب نپیموده باری در مصیبت مرگ دختر نو عروس و داماد ناگامش صبر و شکیبائی پیشه ساخت و لب بر شکایت نگشود ورنج این مصیبت عظمی را بر خود هموار ساخت تا در نتیجه نور حقیقت در باطنش درخشید و او را در سلک مردان راه خدا قرارداد و از این نقطه نظر است که سراسر کتاب بینوایان مشحون از فلسفه خدا پرستی و معتقدات دینی و بکتور هوگو است .

اغلب در عالم خلسه و روء یا چنان میدید که کتابش چون انجیل مقدس هزاران بار چاپ میشود و دست بدست میگردد و همه آنرا با کمال شوق و علاقه میخوانند و بنویسنده اش درود میفرستند این مکاشفه و آرزو لباس حقیقت پوشید و کتاب بینوایان بلقب پرافتخار (انجیل قرن بیستم) ملقب گشت و تا امروز هزاران بار تجدید چاپ شده و بهمه زبانهای زنده دنیا ترجمه گشته و اخیراً "نیز فیلمهای گوناگونی از آن برداشته اند خلاصه آنکه این مرد بزرگ که تا آخرین دقائق عمر با نهایت سلامت و استقامت مزاج زندگی کرد در قبال مصائب تسلیم محض بود و کوچکترین علامت عدم رضایت و ناشکری نشان نمیداد و خم با بر

نمی‌آورد و نتیجه آن شد که دوست و دشمن روح بزرگش را ستودند و روز مرگش را عزای ملی گرفتند و تمام مردم پاریس در تشییع جنازه‌اش حضور بهم رسانده و چنانچه آرزو کرده بود در میان بازوان ملت و هلهله سرود میهن در آرامگاه ابدی خویش آرمید .

باری ویکتور هوگو معتقد است که خداوند بشر را نیک آفریده و اگر بعضی از افراد بد و منحرفند نتیجه تربیت غلط یا تاءثیر محیط و اجتماع است روح انسانی علوی طلب و مربوط بخداوند است حتی مردمان بد نیز از این موهبت عظمی نصیبی دارند . نفس انسانی بوسیله درد ورنج و ریاضت از آلائش‌های شیطانی پاک و منزه میشود و در اینموقع اگر نفس مسیحا دمی او رامدد فرماید بدرجه کمال رسید و انسان کامل العیاری گردد خوشبحال کسانیکه باریاضت و کف نفس شکو و تردید را از باطن خود زدوده و آینه قلب را که مهبط انوار الهی است از کینه و بغض و حسد پاک و آماده قبول الهام نموده‌اند :

منظر دل نیست جای صحبت اغیار دیو جو بیرون رود فرشته درآید

انسان نباید با تبعیت از هوای نفس بدرجه بهائم تنزل نماید بلکه باید با کشتن دیو امیال و شهوات مقام خود را از فرشتگان بالاتر برد و به پایه‌ای رسد که مولانا فرموده (آنچه اندر وهم ناید آن شود)

در بین سالهای ۱۸۵۳ و ۱۸۵۶ شاعر در روح خود سکون و آرامش بود و قلب خویش نور و صفائی میبیند که سابقه ای نداشت لذا خود را برانگیخته و ماء مور عالم باطن انگاشته و چون پیران راه طریقت مواعظ حسنه را در خلال داستانها و قصاید خویش بیان مینماید :  
(ایمان با فریدگار مهربان و جاویدانی روح مانع ترقی و پیشرفت بشر در تمدن و فرهنگ نیست .

جمهوری خواهان و انقلابیون باید بدانند مخالفت با دین خدا آنان را در راهی که پیش

گرفته‌اند موفق نخواهد ساخت بلکه با خراب کردن و متزلزل ساختن اعتقادات مردم آنان

را هرچه بیشتر و سریعتر بسوی فقر اخلاقی و فساد سوق خواهند داد . با احساسات قلبی و

معتقدات باطنی مردم در افتادن خودکار غلط و خطرناکی است . بخاطر گناه یکعده روحانی

سودپرست که خود از خدا دورند نباید بادی و مذهب جنگید اثر دین نه تنها کلیسا و عمل

کلیسائیان است بلکه صفا و خلوصی است که بموءننین حقیقی میبخشد و آنانرا از ارتکاب

افکار خود را سخ تر و بمسئولیت بزرگ خویش در قبال جامعه موء من تر است زیرا سرچشمه برادرش

و حریت در دین و خدا شناسی است و موء منین برادر ایمانی یک دیگرند۔ خداوند ظلم و

استبداد نپسندیده و استقرار آنرا در جهان نخواستہ بلکه این ملت متدنی است کہ تن بچور ظلم

استبداد میدهد چه خدا انسان را آزاد آفریده و او را از نعمت آزادی بهره مند فرموده

بین اراده الهی و خواست بندگانش تضاد و تناقضی نیست بلکه : خدا را مردانی است کہ آنچه

خواهند و اراده کنند چون اراده ربانی نافذ و جازم است . توبه و استغفار تزکیه نفس با ریاضت

و درد ورنج از اعمالی است کہ بروح صفا میبخشد و وجدان انسان را آسایش دهد چنانچه

ژان والژان پس از آنهمه تحمل مصائب ورنج بپایه ای رسید کہ انسان کامل گشت و خود را

فدای آسایش دیگران ساخت . ))

### هنر شعر و ادب در کتاب بینوایان

کتاب بینوایان رمانی مورد علاقه مردم است چه کہ سراسر آن مشحون از احساسات

لطیف بشری و ناله ها و شکایات از ظلم و بیداد گری و پرده نقاشی پر آب و رنگی است از بدیها

و شیطنت و خبیث طینت ها و در عین حال حرف صفا و سادگی روح انسانی و نرمش و انعطاف

پذیری خوی آدمی در ذهن خواننده امید با پنده و ترس از مکافات اخروی را مجسم میسازد .

مولودرامی است کہ آن ترپکش فوق العاده قوی و الحان موزیک آن سکرآور و روح نواز است

قهرمانان [ داستان نمونه و قالب مثال هزاران انسان زنده اند کہ هر روز از جلوی چشم ما

رژه میروند و در میدان تنازع بقاء هر یک بنوعی گرفتارند و با مشکلات دست پنجه نرم میکنند

سایه روشنهای زندگی با کمال وضوح در آن تعیین شده و خواننده بدون تحمل کوچکترین

زحمتی طبقه ای را کہ در ناز و نعمت و روشنائی و سعادت غرق است با آنکه در قعر ظلمت فقر

و بدبختی دست و پامیزند تشخیص میدهد و سرحد و خط فاصل هر دو طایفه را واضح میبیند

با آنکه ویکتور هوگودر استعمال لغات و کلمات استاد منحصر بفرد است و جا و مقام هر

سخن و نکته ای را بهتر از همه میداند و بموقع شایسته و در محل مناسب مورد استفاده قرار

میدهد ولی در انشاء بینوایان (اگر از حواشی فلسفی کہ اغلب با طناب کشیده و صرف نظر

شود) معجز کرده و با استعمال جمل مسجع بنوشته خود آهنگی بخشیده کہ چون اشعار

کونتا مهلاسیون جان پرور و دلنواز است اغلب با آوردن دو کلمه کوتاه یا جمله ای مختصر

آنچنان بکلام خود ایجاز و انسجام بخشیده کہ خواننده را مسحور مینماید ؛

شیوه نگارش کتاب گاهی متعالی و با شکوه وزمانی متعارف و عامیانه است و سرگنجانیدن معانی زنده و حقایق برجسته در کلام در خلال همین شیوه منحصر بخود شاعر نهفته است. استعاره و کنایه - تشبیهات - وایهام - و نوریه چنان با استادی بکار رفته که قدرت خلاقه تخیل شاعرانه دست بدست داده اثر بدیعی بوجود آورده که در نوع خود بینظیر و تا روزگار برقرار است همواره مطلوب و پایدار خواهد بود.

### کتاب بینوایان و مثنای خیرین

همه گویند سخن گفتن سعدی دگر است

پس از آنکه کتاب بینوایان در تمام کشورها و جوامع با موفقیت بینظیری رو برو گشت اغلب نویسندگان در صدد برآمدند که نظیر آن را نوشته و در معرض افکار عموم قرار دهند. کتابهای گوناگونی با عناوین مختلف: یتیم - کودکان بدبخت - انسان وحشی و مانند آن که از انتقاد ژول لومتر مصون نمانده اند قدم بمیدان گذاشتند و در همان روزهای اول طلوع بغروب و افول گزیدند زیرا معلوم گشت که ماه ستاره در مقابل آفتاب روشنائی ندارد - بازار کتاب بینوایان چنان گرم و استقبال مردم آنچنان مشتاقانه بود که هیچ کتاب دیگری را مجال خود نمیداد مگر دو کتاب (گناه و کیفر) تالیف داستایوسکی که از بینوایان الهام گرفته بودند چند صباحی خود آرائی کردند باید در نظر داشت که موفقیت و مقبولیت عامه بینوایان در طرز نگارش آن نهفته زیرا بزبان عامه سخن گفته و درد جامعه را یافته و انگشت روی زخم دلها گذاشته و اوتار قلب عاشقان و اصلاحات را لرزاند است.

بینوایان یک کتاب خشک فلسفی - سیاسی - مذهبی نیست بلکه گلستانی است که هر نوع گلی در چمن های سرسبز آن خود آرائی مینماید و گنجینه ایست که خزائن پند و حکمت را در لافقه داستان شیرین و دلچسب بیدریغ بخواننده تقدیم میدارد.

داستان حماسی مردگمراهی است که زحمت حق شامل حالش شده و بیس از سالها زحمت و مرارت و تحمل شکنجه و مساوت قدم بشاهراه سعادت گذاشته و انسان کاملی گشته و هم خود را مصروف تاه مین رفاهیت و آسایش بیچارگان ساخته است.

خلاصه کلام کتاب بینوایان درخت برومند نیست که ریشه های خود را بقلوب مردم دوانیده و با خون گرم و محبت آمیز آنان پرورش یافته و خود را همیشه جوان و سرسبز نگهداشته که تا دنیا دنیا است روی پاکیز و جوار خزان نخواهد دید.